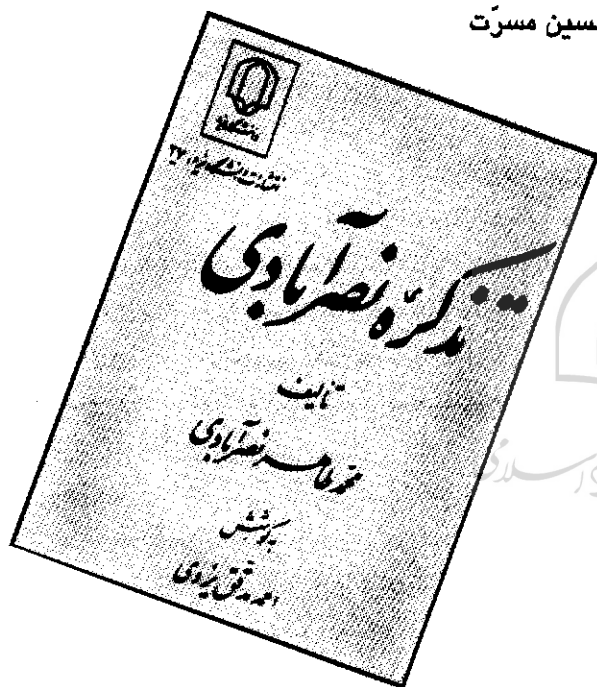


تذکره نصرآبادی

دوباره ورق خورد

حسین مسرت



تذکره نصرآبادی: محمد طاهر نصرآبادی، به کوشش: احمد

مدقق یزدی، دانشگاه یزد، ۱۳۷۸، وزیری، ۱۰۱۲ ص.

گردآوردن شرح حال و نمونه اشعار صدها سخنور از گوشه و کنار ایران، حتی با معیارهای امروزی که فاصله ها کم تر، ارتباطات آسان تر و منابع فراوان تر است، کاری بس دشوار می نماید و اگر همت این مرد بزرگ نبود، بی گمان تاریخ و ادب ایران به ویژه در عصر صفوی، حلقه ای مفقوده و بدون جایگزین داشت؛ چونان که استاد گرانقدر آقای دکتر محمدرضا شفیعی

۱. برگرفته از کتاب یزدیادگار تاریخ، حسین مسرت. تهران، انجمن کتابخانه های عمومی استان یزد، ۱۳۷۶، ص ۶۰۱-۶۰۲.

تذکره به تاریخ حالات و اشعار شعرا اطلاق می شود و از نظر دوره زمانی آن را به دو دسته تقسیم کرده اند:

الف. تذکره های عمومی: در این نوع تذکره ها گردآورنده به غیر از شرح حال و اشعار شعرای همزمان خود، به دیگر آثار پیشینیان نیز نظر دارد.

ب. تذکره های عصری: تنها آثار و احوال شعرای همزمان گردآورنده می آید.

لباب الباب عوفی، چهارمقاله عروضی، تذکره الاولیای عطار و تذکره الشعرای دولتشاه سمرقندی را نخستین تذکره های فارسی دانسته اند. تذکره ها ارزش ها و سودمندی های فراوان به قرار زیر دارند:

۱. زنده نگهداشتن نام سخنوران و ثبت اشعار آنها؛ زیرا آگاهی از وجود بسیاری از شعرا تنها از راه تذکره ها هموار می گردد.
۲. آگاهی از سیر تحول شعر و نثر پارسی از راه تذکره های عمومی.

۳. اطلاع یافتن از رویدادها و اوضاع تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از خلال شرح حال ها.

۴. دارا بودن زیباترین اشعار برگرفته از دیوان ها، بدان سان که صاحبان ذوق و اندیشه را از مراجعه به دیوان های نیاز می کند.

۵. آشنایی با نام بسیاری از کتاب هایی که دیگر نشانی از آنها نیست.^۱

یکی از این تذکره های عصری بسیار سودمند تذکره نصرآبادی است. به جرأت می توان گفت تذکره نصرآبادی از اعظام تذکره های شعرای فارسی، و محمد طاهر نصرآبادی از اکابر تذکره نویسان ادب پارسی است و این مهم، به دو دلیل محقق شده است: نخست سخت کوشی، پیگیری و علاقه نصرآبادی برای تدوین تذکره ای جامع و همه نگر. دوم، حسن انتخاب، دقت و نکته سنجی گردآورنده در گزینش اشعار و گردآوردن بیشترین آگاهی های بایسته و شایسته درباره شاعران.

نصرآبادی همچون بسیاری از نویسندگان برجسته زمان خود، جامع علوم عصر خود، اعم از ادبی، لغوی، دیوانی و علمی بوده است که در عصر طلایی تاریخ و فرهنگ اصفهان در مکتب هنری و ادبی آن سامان پرورش یافته است.

کدکنی نیز بر این باور است :

این کتاب که یکی از مراجع بسیار مهم تاریخ اجتماعی، فرهنگی، هنری و ادبی ایران عصر صفوی است، همواره به عنوان سندی معتبر در قلمرو این گونه مطالعات مورد استفاده محققان ایرانی و خاورشناسان جهان بوده است.^۲ در اهمیت تذکره نصرآبادی همین بس که سرگذشت و نمونه اشعار نزدیک به هزار سخنور پارسی زبان را دربر دارد و از این رو می توان آن را سودمندترین و جامع ترین تذکره پارسی دانست. وی گردآوری این تذکره، را از سال ۱۰۷۷ ق آغاز کرده و ظاهراً تا سال ۱۰۹۰ ق به این کار مشغول بوده است؛ البته با فرض این که تواریخ ۱۱۱۰ و ۱۱۱۲ و ۱۱۱۵ ق مندرج در تذکره نصرآبادی نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، الحاقی است. نصرآبادی با همتی مثال زدنی و پس از زحماتی چندین ساله و با روشی ابتکاری تذکره را در یک دیباچه، پنج صف و پایانه ای به ترتیب زیر سامان داده است :

دیباچه: در بیان اشعار و زندگی شاهان و شاهزادگان صفوی.
صف نخست: در بیان زندگی و اشعار رجال سخنور دوره صفوی که به سه دسته تقسیم شده است: مقربان و امرای ایران؛ امرا و خوانین هند؛ وزرا، مستوفیان و نویسندگان دربار.
صف دوم: ذکر سادات و بزرگان و نجبا.

صف سوم: در ذکر سه فرقه: عالمان و فاضلان، خوشنویسان، فقرا و درویشان.

صف چهارم: مهم ترین و مفصل ترین بخش تذکره را شامل است و شرح حال و شعر سخنوران پارسی را در سه دسته بدین ترتیب دارد: شاعران عراق و خراسان، شاعران فرارود و شاعران هندوستان.

صف پنجم: زندگی و اشعار نصرآبادی و خویشان وی.
خاتمه: در بیان ماده تاریخ ها، چیستان ها و معماهای پیشینیان و معاصران.

غیر از تذکره شعرا، کتاب های دیگری نیز به نام نصرآبادی در تاریخ ادب ایران ثبت است که این آثار نشانی است از ذوق و استعداد این دانش مرد عصر صفوی که هم شاعری نکته سنج و هم ادیبی نکته پرداز بوده است. معروف ترین آثار او عبارتند از: گل رعنا، گلشن آرا، گلشن خیال، مکتوبات، منشآت، مثنوی و منتخباتی از دیوان صائب، شاهنامه فردوسی و مثنوی مولوی.

اکنون و پس از این مقدمه ناگزیر می پردازیم به نقد و بررسی تذکره نصرآبادی که به کوشش آقای احمد مدقق یزدی در سال ۱۳۶۸ به اشارت استاد دکتر شفیع کدکنی به ویرایش و پیرایش تذکره نصرآبادی دست یازیده است.

کتاب پس از پیشگفتار و ادای دین مصحح نسبت به اهل فضل و قلم و یاورانی که در سامان یافتن این چاپ نقش داشته اند، یادداشتی کوتاه و بس شیوا به خامه استاد دکتر شفیع کدکنی زینت بخش خود دارد. سپس دیباچه با «گفتاری کوتاه درباره فرهنگ و ادب عصر صفوی» آغاز می شود و پس از آن به ترتیب مباحث زیر آمده است :

تذکره نصرآبادی و اهمیت آن؛ نسخه های تذکره نصرآبادی؛ منابع و مآخذ تذکره نصرآبادی؛ تذکره نصرآبادی از دیدگاه نقد ادبی؛ ارزش های تذکره نصرآبادی؛ زندگی نامه محمدطاهر نصرآبادی؛ ذیل تذکره نصرآبادی؛ آثار محمدطاهر نصرآبادی؛ معرفی نسخه ها و مزیت چاپ حاضر و روش تصحیح؛ کتابشناسی محمدطاهر نصرآبادی.

مصحح در این دیباچه هفتاد و پنج صفحه ای انصافاً دقیقه ای را فرو نگذاشته است و تا آن جا که امکانات اجازه می داده، تقریباً کلیه منابع عصر صفوی به ویژه متون ادبی و تاریخی را از نظر گذرانده و برای تکمیل شرح حال نصرآبادی، تمامی منابع ممکن را دیده و سنجیده است. ولی تنها در مبحث «گفتاری کوتاه درباره فرهنگ و عصر صفوی» مؤلف به ناگزیر، به اختصار و اجمال پرگزار کرده است، و گرنه عصر صفوی را نمی توان با این کوله گفتمان شناساند.

اما چنان که باز روشن است و فهرست مآخذ گواهی می دهد، مصحح به منابع فراوانی دسترسی داشته، اما با نکته سنجی و دقت درخوری، آنها را گزیده و سخنه کرده و مغز کلام را در دسترس خوانندگان گذارده است.

در این دیباچه خواننده به نکات و دقایقی واقف می شود که ذیلاً بدان اشاره می شود:

۱. متن تذکره بر مبنای چهار نسخه کتابخانه وزیری یزد، ملک، دانشگاه تهران و دیوان هند تصحیح شده است که نسخه اساس، نسخه خطی کتابخانه وزیری است که به تصریح بسیاری از اهل تحقیق، بهترین و جامع ترین نسخه موجود تذکره نصرآبادی است که به امضا و تأیید مؤلف کتاب رسیده است.

۲. تذکره نصرآبادی علی رغم جامعیت خود، عاری از اشتباهات نیست که به موارد فراوانی از آن در دیباچه (ص هفده-هجده) اشاره شده است.

۳. نخستین بار زنده یاد حسن وحید دستگردی [در سال ۱۳۱۷] رخ از چهره این عروس پرنقش و نگار گشوده است^۳ و با همتی درخور آن را به جامعه فرهنگی و ادبی ایران عرضه کرده

۲. تذکره نصرآبادی، همین چاپ، دیباچه.

۳. چاپ وحید دستگردی بر اساس دو نسخه خطی کتابخانه ملک و دانشگاه تهران (از حیث ترتیب) است.

نباشد، کاری دشوارتر می نماید، اما مصحح و اندیشمندانی که با وی همفکری کرده اند، بهترین و مناسب ترین متن را ویرایش و پیرایش نموده اند؛ به گونه ای که بهترین و مناسب ترین واژه و یا عبارت در متن نهاده شده و علی رغم این که نسخه اساس، نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد بوده، اما هرگاه، نسخه بدل را دارای متنی مناسب تر یافته اند، آن را جایگزین نموده اند، از این رو پاورقی ها دقیق و علمی و متن عالمانه و استادانه شده است و مصحح با مرارت زیاد نکته ای را فرو نگذاشته است.

اما اگر مصحح محترم، نیم نگاهی به اشتباهاتی که روانشادان دکتر صفا و گلچین معانی در کتاب های تاریخ ادبیات ایران، تاریخ تذکرة های فارسی و ... یادآور شده اند، می انداخت، می توانست با اطمینان بهتری گزینه درست را از این نسخه ها برگزیند و اگر در این میان نگاهی هم به دیگر تذکرة های هم عصر نصرآبادی می انداخت، می توانست از این رهگذر به اطلاعات درست تر و کامل تری دست یابد.

مثلاً دکتر سید علیرضا نقوی در کتاب «تذکرة نویسی فارسی در هند و پاکستان» یادآور می شود که خوشگو در سفینه خود، ذیل شرح حال برخی شعرا، همچون طاهر حکیم سعید، میرکفری، علی دانش جاوید، حسین آشوب و سید مرتضی رضی و [قدسی مشهدی] اشتباهات نصرآبادی را گوشزد کرده است.

یا زنده یاد گلچین معانی در دوره دو جلدی کاروان هند، ذیل الهی شیرازی (حکیم صدرالدین شیرازی) می نویسد: «در تذکرة نصرآبادی نیز نام صحیح او در حاشیه و نام غلط (ضیاءالدین) در متن آمده و او را کاشانی تصور کرده است (ج ۱، ص ۹۴) (تذکرة، ص ۸۹). همو ذیل بزمی اشاره به این دارد که نصرآبادی سه بیت از غزل وی را اشتباهاً به نام مخفی رشتی ثبت کرده است (ج ۱، ص ۱۶۷) و ذیل حسنعلی یزدی توضیح داده است که نام وی در تذکرة، اشتباهاً حسینعلی آمده است و مصحح نیز با آن که در پاورقی به نقل از نسخه های ملک و هند نام درست وی را حسنعلی آورده، اما آن را به متن وارد نکرده است. (تذکرة، ص ۲۲۹). در جای دیگر اشاره به اشتباه نصرآبادی در شرح حال دیری کاشانی دارد (ج ۱، ص ۴۲۰) و جای دیگر سخن از آمیخته شدن ترجمه و شعر ذهنی یزدی و کاشی بوسیله نصرآبادی دارد. (ج ۱، ص ۴۲۹)

همچنین است بیان این اشتباهات به وسیله زنده یاد گلچین معانی در حواشی تذکرة میخانه از جمله ذیل شرح اسیری (ص ۳۱۷) محمد مؤمن عزتی (ص ۶۴۱) طالب آملی (ص ۸۲۴) شرمی (ص ۸۹۳) و نیز اشارات زنده یاد دکتر ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات ایران که به عنوان نمونه ذیل طالب آملی می آورد که

است، کاری که اگر نشده بود، محققان معاصر چه بسا دیرتر به ارزش های این تذکرة جامع پی می بردند، کما این که سال ها است دیدن چاپ پیراسته و آراسته مدینه الادب عبرت نائینی آرزوی بسیاری از اهل پژوهش و ادب است و هنوز به واقعیت نپیوسته و صاحب همتی آستین بالا نزده و به چاپ آن اهتمام نورزیده است.

چنان که از فحوای دیباچه تذکرة نصرآبادی آشکار می شود، این تذکرة را می توان از منابع دست اول دانست که به غیر از چند شرح حال که از خلاصه الاشعار و عرفات العاشقین تقی الدین اوحدی بهره برده است، بقیه را یا از خود شاعران گرفته یا از دیوان آنها برگزیده است و بنابر جامعیتی که دارد، خود منبع بسیاری از تذکرة های سده های ۱۲ق تاکنون بوده است، که مهم ترین آنها، ریاض الشعرا، سفینه خوشگو، مخزن الغرایب و سرو آزاد است.

تحلیلگران و نقدنویسان ادب پارسی تاکنون مقالاتی چند در اهمیت و ارزش این تذکرة نوشته اند که ذیلاً به چند ارزش برجسته آن اشاره می شود:

۱. آینه تمام نمایی است از اوضاع و احوال تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر صفوی.

۲. زنده نگه داشتن نام و نشان و اشعار نزدیک به هزار سخنور عهد صفوی.

۳. بازنمایی بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ مردم، ضرب المثل ها، حکایات، اصطلاحات و ترکیبات بدیع و دل انگیز.

۴. در برداشتن فرهنگی فراگیر از مشاغل عصر صفوی. پنج. دانشنامه ای است از نام هنرمندان و شرح حال شعرای محلی ایران زمین و حتی توران و هندوستان و آسیای مرکزی و میانه و شبه قاره هند.

۶. دادن آگاهی هایی در زمینه نقد ادبی، تحلیل اشعار سخنوران عصر صفوی، اصطلاحات کتابداری و کتابشناسی و ...

۷. داشتن اطلاعاتی جامع درباره تاریخ سیاسی و اجتماعی اصفهان در عصر صفوی، اعم از رجال و ناموران و عالمان و هنرمندان و نیز تاریخ بناها و مراکز دینی و فرهنگی و حتی روستاهای اصفهان.

متن کتاب با مقدمه نصرآبادی در چگونگی و غرض از تسوید اوراق تدوین تذکرة آغاز می شود و تا صفحه ۸۳۳ ادامه دارد، مصحح از خلال این هشتصد صفحه و با مدد جستن از ذوق و شوق به تصحیح انتقادی و علمی متن دست زده است و طبعاً با افزون شدن تعداد نسخ خطی، گزینش گزینه درست و مناسب که هم به زبان مؤلف نزدیک تر باشد و هم ناشی از دخل و تصرف کاتبان

نصرآبادی در یک جا ابوطالب کلیم را به جای طالب آملی نشانده است، یا ذیل فیاض لاهیجی می نویسد: «دیوانش را نصرآبادی به اشتباه دوازده هزار بیت نوشته است. (ج ۵، ص ۱۳۳۰) و یا در شرح سرخوش کشمیری می آورد، وی برخلاف قول نصرآبادی، لاهوری نیست. (ج ۵، ص ۱۳۳۷).

مصحح با آن که در دیباچه خود (ص هفده-هجده) به نمونه هایی از این اشتباهات به نقل از دکتر صفا و غیره اقدام کرده، اما نه در متن و نه در تعلیقات آن را توضیح نداده است.

تصحیح حاضر به غیر از محاسن و مزایای فراوانی که دارد و در جای خود بدان اشاره شده و خواهد شد، بزرگ ترین کاستی آن را می توان در فقدان بخش یادداشت ها و تعلیقات دانست که اگر به چنین کاری اقدام می شد، می توانستیم تصحیح حاضر را در حد تاریخ کاملی از فرهنگ و ادب عصر صفوی قلمداد کنیم. بدین ترتیب که مصحح با افزودن دو بخش زیر می توانست به چنین مهمی دست یازد:

۱. تعلیقات شعرای متن، شامل افزودن اطلاعات تکمیلی که در دیگر تذکره ها و کتب ادبی موجود است و به ناگزیر از دسترس نصرآبادی دور بوده است. به ویژه این کار در بحث شعرای مجهول المکان، کاری بس پسنیدیده بود. برای دستیابی به چنین امری حتی می شد به فرهنگ سخنوران خیامپور، رجوع نمود و پسوند مکانی و نام دقیق آنها را روشن کرد. (مصحح در مقدمه خود نوید داده است که در آینده ای نزدیک دفتری دیگر شامل تعلیقات و توضیحات را چاپ می کند)

۲. تعلیقات اعلام متن، شامل افزودن اطلاعات تاریخی دوباره هر کدام از اشخاص و مکان هایی که نامشان در این تذکره آمده است.

پرواضح است انجام چنین کاری، زمانی حداقل دوساله را می خواهد که بی گمان چاپ این تذکره را به چند سال آینده موکول می کرد. دیگر آن که انجام چنان کاری در حد ذیلی بر تذکره نصرآبادی خواهد بود، در کتابی و جلدی مستقل.

چنان که روشن است هدف، چاپ تذکره نصرآبادی بوده است، اما چاپ بخش هایی از دیگر آثار نصرآبادی، همچون گلشن خیال، گل رعنا، منشآت، مکتوبات و ... برای آشنایی خواننده با نمونه های دیگری از نثر او بسیار سودمند بود.

چنان که نگارنده این سطور اخیراً و از خلال فهرست نسخه های خطی ایران و جهان و نیز اطلاعات شفاهی بررسی نموده است، ۲۴۴ نسخه خطی از این تذکره وجود دارد که قدیمی ترین آن متعلق به کتابخانه ملی پاریس و به تاریخ ۱۰۸۳ ق است (فهرست کتابخانه ملی پاریس، ج ۲: ۳۲۱-۳۲۲). دیگر

نسخه ها به ترتیب زمانی، متعلق به کتابخانه های زیر است: مجلس شورای اسلامی (۲ نسخه)، وزیر یزد، ملی تهران، موزه بریتانیا (۲ نسخه)، دانشگاه تهران، لیدزیانا، خدابخش هند، ادنبرگ، برلین، بادلیان، ملک تهران، موزه ملی پاکستان، کلکسیون آسیایی در بنگال کلکته، دیوان هند، موزه سالار جنگ، کتابخانه مولانا آزاد هند، کتابخانه پادشاه اود، کتابخانه بانکی پور، کتابخانه شخصی تاجمیر ریاحی در اصفهان، کتابخانه شخصی ادیب برومند و آستان قدس رضوی. مصحح نه تنها از این نسخه ها بهره نبرده است، بلکه در کتابشناسی هم نشان این موارد را نیاورده است. اگر مصحح به نسخه های موجود در ایران، همچون نسخه مجلس شورای اسلامی (که به وسیله همان کاتب نسخه وزیر یزد نوشته شده است)، ملی تهران و نسخه دوم مجلس شورای اسلامی عنایتی می نمود. این تصحیح به کمال تر نزدیک می شد. نیز مناسبت داشت مصحح در آغاز بحثی را در اهمیت و ارزش تذکره ها در ادب پارسی بیان نماید.

بخش پایانی کتاب شامل فهرست های ۱۵ گانه ای است که به ترتیب زیر تدوین و سامان یافته است:

اعلام اشخاص؛ شاعران؛ تخلص های شاعران؛ شاعران دو تخلص؛ فهرست پراکندگی شاعران از نظر جغرافیایی؛ فهرست شعرایی که زادگاه آنها معلوم نیست؛ فهرست کتاب ها و رساله ها؛ فهرست اماکن؛ فهرست قبایل و طوایف؛ فهرست مشاغل و مناصب؛ فهرست حوادث و وقایع و بیماری ها؛ فهرست اشعار به زبان محلی؛ فهرست لغات و ترکیبات؛ فهرست ضرب المثل ها و حکمت ها؛ فهرست عمومی نسخه بدل ها.

متأسفانه فهرست این فهرست ها در آغاز کتاب و در فهرست مندرجات نیامده است. بی گمان تهیه چنین فهرستی نه تنها حوصله زیادی می طلبد، بلکه زمان زیادی را نیز به خود اختصاص داده است. شاید نیمی از زمانی که کتاب در دست تدوین و پیرایش بوده، صرف آرایش و پردازش چنین فهرستی شده است. و از نقاط قوت این تصحیح تهیه این فهرست به ویژه فهرست های زیر بوده است که بسیار سودمند و بی گزافه ابتکاری است:

فهرست حوادث و وقایع و بیماری ها (ص ۹۳۱-۹۳۷)
فهرست اشعار به زبان محلی (۹۳۹-۹۴۰) فهرست لغات و ترکیبات (ص ۹۴۱-۹۸۲) فهرست ضرب المثل ها (ص ۹۸۳-۱۰۰۰) و فهرست عمومی نسخه بدل ها که بسیار کامل و جامع و خوب است. و شاید بتوان دو فهرست «شاعرانی که شرح حال آنها در تذکره آمده است» و «تخلص های شاعران» را تکراری

۴. ر. ک: حسین مسرت، کتابشناسی نصرآبادی، مندرج در یادنامه آیت الله مرعشی، قم، کتابخانه مرعشی.

دانست و می شد هر دو را در یک فهرست آورد.

امسا علی رغم دقت و حرصه فراوانی که در تدوین این فهرست ها به کار رفته و حتماً چندین سال وقت صرف آن شده است، باز کاستی ها و نکاتی به چشم می آید که به ذکر نمونه هایی از آن بر پایه مقابله با فهرست های مشابه تذکره نصرآبادی تصحیح آقای محسن ناجی نصرآبادی و دیگر منابع، بسنده می شود.

۱. ذیل تخلص های شاعران، تخلص های زیر دیده نمی شود: اثر مازندرانی، ادهم (ابراهیم میرزا)، امامی هروی، انوار (ملاً بقا)، اوزن، ایما، تجلی (علیرضا)، تسلی شیرازی، تسلی (میر معصوم)، جاذب، جنونی (احمد)، جنونی (احمد کرای).

۲. ذیل پراکندگی شاعران از نظر جغرافیایی، نام شهرها و ولایات زیر نیامده است: آذربایجان، آران آریتمان، ایزد خواست فارس، بحرین، بصره، تربت، جام، جهرم، چرکس، چکنه، حله، خوانسار، خوران اصفهان، داراب، داغستان، دامغان، درجزین دکن و دماوند. نیز اسدآباد می بایست پس از استرآباد قرار می گرفت. شهری به نام عبدالعظیم هم نداریم و باید همان ری بیاید، و بدخشان درست است نه بدخش.

۳. ذیل نام برخی شهرها به نام شعرای آن محل بر نمی خوریم؛ مثلاً در حرف الف و ب، ذیل ابرقو: میر غیاث الدین و هادی میرزا؛ اردبیل: میرزا کافی و محمد کاظم برزگر؛ اردستان: افضل اردستانی؛ بخارا: بایزید (عارف تخلص) و یوسف خواجه؛ بروجرود: میرزا اسحاق و میر محمد رضا؛ بلخ: عالیجاه عبدالعزیز خان و یوسف بلخی.

۴. در بخش شعرایی که زادگاه آنان روشن نیست، مصحح می توانست با رجوع به رایج ترین فرهنگ شعرا، یعنی فرهنگ سخنوران خیامپور، پی به زادگاه آنان برد؛ هر چند ذیل شرح آنها در متن نصرآبادی تا اندازه ای هم می شد به چنین موضوعی دست یافت. به عنوان نمونه، چند شاعر ذیل، با کمک فرهنگ سخنوران خیامپور، زادگاهشان شناخته می شود:

ابراهیم ادهم [بلخی]، اسکندر بیگ منشی (ترکمان)، حاتم بیگ [اردوبادی]، حسن واهب [اصفهانی]، حیدر علی فایض [اردبیلی]، حیدر کلوج [هروی]، خواندمیر [هروی]، ملا رکنی [نیشابوری]، سراجا [گلپایگانی]، سگ لوند [قزوینی]، صادق دستغیب [شیرازی]، فارغا [اصفهانی]، قاسم کاهی [کابلی]، کریمما [شیرازی]، کلامی [اصفهانی]، لطیفما [اصفهانی]، محمد مسعود زرکش [اصفهانی] و نصیب رازی [ری].

۵. در فهرست کتاب ها و رساله ها، نام کتاب های زیر دیده نمی شود:

بحر الفوائد [ذیل میرزا محمد شفیع]، تذکره الشعرا [میر تقی کاشی]، خسرو شیرین [میرزا جعفر]، سوانح محاصره قلعه [ولی قلی بیگ]، شرح تحریر [میرزا ابوالحسن]، صناعات [میر ابوالقاسم میرفندرسکی]، ضیاء النورین [حکیم ابوالفتح دوائی]، تذکره شعرا [بلیانی] غزوات امیر المؤمنین [میرزا جعفر] و ...

۶. در فهرست اماکن و نواحی، کاستی های زیر دیده می شود: آران درست است، نه آران؛ احمدنگر درست است نه احمدانگر. کمبودها: آقاجر، اله آباد، ادرکیور، اروس، ازویر قهپایه، استیر سبزواری، امامزاده قیس علی، امامزاده میر محمد، ایوان، ایزد خواست. بازار محمد حسین چلبی، برلشت، بست (قلعه)، بکر، بلاد شاپور، بهیران و بیجاپور.

۷. فهرست قبایل و طوایف، کاستی بسیار دارد که مثلاً در حرف الف، نام های زیر دیده نمی شود: اترک، اترک بخارا، اترک سلجوقی، ارامنه، افغان، امامیه و اوزبک.

۸. در فهرست مشاغل و مناصب در حرف الف و ب کاستی های زیر دیده می شود: ادونچی باشی، اطبا، بخشیان، بُندار، بنکدار.

۹. در فهرست لغات و ترکیبات علی رغم جامعیت، برخی کاستی ها دیده می شود؛ مثلاً در حرف الف، به قرار زیر است: آب انبار، آتشک جهنم، آدمی صفت، ابیات آبدار، ابیات بی نسبت، ابیات بلند، اجاره برف، ارباب التحویل، اسب جهانیدن، اسرار مخفی، اصول اوfer، اصول روانی، اصول سماعی، افشان نقره، افیون، ایجه، اواسط الناس و اویماق.

۱۰. جای فهرست ابیات خالی است. در پایان ذکر این نکته بایسته می نماید که همزمان با این چاپ، تصحیح دیگری از تذکره نصرآبادی به همت پژوهشگر تلاشگر آقای محسن ناجی نصرآبادی در سلسله انتشارات اساطیر و با راهنمایی استاد ایرج افشار، در ده جلد تدوین و چاپ شده که دارای مزایا و کاستی ها و گفتنی هایی است که خود در حوصله مقاله ای دیگر است.

نیز باخبر بودم که چندین سال پیش آقای دکتر سید محمد دامادی، استاد دانشگاه تهران، مشغول تصحیح این تذکره بر پایه نسخه ای منحصر که در اختیارشان بوده است، هست. ایشان با نگاهی تحلیلی و انتقادی و از دیدگاه ادبی-اجتماعی به تصحیح آن مبادرت کرده است. باشد که چشمان علاقه مندان به دیدن این چاپ هم روشن شود.

